

ادبیات مدن ایران

در فاصله دو انقلاب



تألیف و ترجمه

دکتر یعقوب آژند

استاد دانشگاه تهران



ادبیات مدین ایران

در فاصله دو انقلاب

تألیف و ترجمه

دکتر یعقوب آژند

استاد دانشگاه تهران



انتشارات مولی

سرشناسه: اژند، یعقوب، ۱۳۲۸ - گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: ادبیات مدرن ایران در فاصله دو انقلاب/ تالیف و ترجمه [گردآورنده] یعقوب اژند
مشخصات نشر: تهران، مولی، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: بهشت و شش، ۳۰ عکس، ۲۱۵×۱۴۵ س.م.

شابک: 978-600-339-078-2

وضعیت فهرست نویسی: فبا

موضوع: ادبیات فارسی -- ایران -- قرن ۱۳ قی. - ۱۴ -- تاریخ و نقد -- مقاله‌ها و خطبه‌ها

موضوع: Iran -- 19 - 20th century -- History and criticism -- Addresses, Essays, Lectures -- Persian literature

موضوع: نقد ادبی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۳ قی. - ۱۴ -- مقاله‌ها و خطبه‌ها

موضوع: Iran -- History -- 19 - 20th century -- Addresses, essays, lectures

Literary criticism

موضوع: شاعران ایرانی -- قرن ۱۳ قی. - ۱۴ -- سرگذشته

موضوع: Poets, Persian -- 19th - 20th century -- Biography

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ / ۴ PIR۳۲۵۵

رده بندی دیویی: ۸۰۲ / ۸۰۸

شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۵۵۹۹۷



انتشارات مولی

تهران: خیابان انقلاب- چهارراه ابوریحان- شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳-۶۶۴۰۰۰۷۹-۶۶۴۰۰۰۷۹

وب سایت: www.molapub.com • اینستاگرام: molapub • تلگرام: molapub • ایمیل: molapub@yahoo.com

ادبیات مدرن ایران در فاصله دو انقلاب

تألیف و ترجمه: دکتر یعقوب اژند، استاد دانشگاه تهران و ویراستار: مهناز رئیس زاده

چاپ اول: ۱۳۹۷ = ۱۴۴۰ • ۵۲۰ نسخه • ۲۹۹/۱
۹۷

شابک: 978-600-339-078-2 ۹۷۸-۶۰۰-۳۳۹-۰۷۸-۲

خوشنویسی و حروف نگاری جلد: استاد حمید عجمی

حروفچینی: دریاچه کتاب • لیتوگرافی و چاپ: ایران مصور • صحافی: نوری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولی است



انتشارات مولی

۱۱۰۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

یازده	پیش از هر چیز
سیزده	مدخل: تجدد ادبی: رویکردها
سیزده	۱. درآمد
هفده	۲. تجدد در شعر
نوزده	۳. تجدد در نثر
بیست	روزنامه نگاری
بیست و یک	داستان نویسی
بیست و دو	نمایشنامه نویسی
بیست و سه	نقد و تحقیق
	*
۸۳-۱	بخش اول: شعر مشروطه
۱	منیب الرحمن
۱	فصل اول: چهره های شعر مشروطه
۱۱	محمد تقی بهار
۱۷	ابوالقاسم لاهوتی
۲۳	میرزا ابوالقاسم عارف
۲۵	ایرج میرزا
۲۹	محمد رضا عشقی
۳۵	پروین اعتصامی
	نیما یوشیج

۴۷		فصل دوم: مفاهیم اجتماعی - سیاسی شعر
۶۸		فصل سوم: تأثیرات ادبی اروپا
۱۷۶ - ۸۵		بخش دوم: ادبیات مدرن ایران: سه دیدگاه
۸۵	منصور شکی	فصل اول: درآمدی بر ادبیات مدرن ایران
۸۵		۱. مدخل
۸۶		۲. زمینه اجتماعی
۹۱		۳. ویژگی‌های عمومی
۹۴		۴. قالب‌های مدرن شعر فارسی
۹۶		۵. انواع ادبی
۱۰۲	پی‌تر چلکووسکی	فصل دوم: انواع ادبی در ادبیات مدرن ایران
۱۰۴		۱. الگوهای پیشین
۱۰۷		۲. شعر دوره پهلوی
۱۱۰		۳. نفی و انکار فرم‌های کهن: نیما یوشیج
۱۱۳		۴. شاعران مدرن معاصر
۱۲۷		۵. نثر مدرن فارسی: رمان
۱۲۸		۶. نثر مدرن فارسی: داستان کوتاه
۱۴۰		۷. نمایش در ایران
۱۴۳		۸. تداوم و تحول
۱۴۶	احسان یارشاطر	فصل سوم: زبان و بیان مدرن ادبی در دهه چهل
۱۴۸		۱. از شعر قدمایی تا شعر نو
۱۵۲		۲. نوگرایان
۱۵۷		۳. شعر متعهد و غیر متعهد
۱۵۹		۴. شاعران غیر سیاسی
۱۶۱		۵. موج نو
۱۶۳		۶. دگرگونی نثر
۱۶۵		۷. داستان‌نویسی دهه چهل

فهرست مطالب / هفت

۱۷۰	۸. نمایشنامه نویسی: شکل جدید هنری
۱۷۵	۹. نتیجه
۲۶۴-۱۷۷	بخش سوم: داستان نویسی
۱۷۷	فصل اول: داستان نویسی در ایران الول - ساتن
۱۷۷	۱. مفهوم قصه در ادبیات کهن فارسی
۱۷۹	۲. داستان نویسی مدرن ایران: تلاش‌های نخستین
۱۸۳	۳. نوآوران ادبیات داستانی ایران
۱۹۰	فصل دوم: داستان نویسی مدرن ایران: گذری و نظری یعقوب آژند
۱۹۰	۱. برانگیختگی
۱۹۳	۲. طلیعه داستان نویسی مدرن
۱۹۴	۳. دوره رضاشاه
۲۰۳	۴. دهه ۱۳۲۰ ش.
۲۱۰	۵. دهه ۱۳۳۰ ش.
۲۱۸	۶. دهه ۱۳۴۰ ش.
۲۳۸	۷. دهه ۱۳۵۰ ش.
۲۵۳	فصل سوم: داستان نویسی کوتاه ایران از دهه ۱۳۲۰ ش. به بعد مسعود زوارزاده
۲۵۳	۱. درآمد
۲۵۵	۲. دهه ۱۳۲۰ ش.
۲۶۱	۳. دهه ۱۳۳۰ ش.
۲۶۳	۴. دهه ۱۳۴۰ ش.
۳۱۵-۲۶۵	بخش چهارم: تناتر ایران (۱۳۵۷-۱۳۰۰ ش.) ویلم فلور
۲۶۵	فصل اول: دوره رضاشاه (۱۳۲۰-۱۳۰۴ ش.)
۲۶۵	۱. درآمد
۲۷۱	۲. تهران
۲۷۸	۳. تبریز
۲۷۸	۴. رشت

هشت / ادبیات ایران در فاصله دو انقلاب

- ۲۷۹ ۵. قزوین
 ۲۷۹ ۶. اردبیل
 ۲۸۰ ۷. کرمانشاه
 ۲۸۰ ۸. اصفهان
 ۲۸۲ ۹. مشهد
 ۲۸۳ ۱۰. شیراز
 ۲۸۴ ۱۱. سایر شهرها

فصل دوم: دور محمدرضا شاه (۱۳۵۷ - ۱۳۲۰ ش.)

- ۲۸۸ ۱. مشهد
 ۲۹۰ ۲. تبریز
 ۲۹۰ ۳. رشت
 ۲۹۳ ۴. اصفهان
 ۲۹۵ ۵. شیراز
 ۲۹۶ ۶. همدان
 ۲۹۶ ۷. تهران
 ۳۰۵ ۸. بازیگران و نمایشنامه‌نویسان برجسته
 ۳۰۸ ۹. جشنواره‌های تئاتر
 ۳۱۱ ۱۰. تئاتر در آستانه افول

بخش پنجم: در باب مطبوعات

- ۳۵۳-۳۱۷
 ۳۱۷ فصل اول: جریان‌های فکری - فرهنگی ۱۳۲۰ - ۱۳۰۰ ش. ماخالسکی
 ۳۲۵ فصل دوم: مطبوعات ایران در دهه ۱۳۲۰ ش. الول - ساتن
 ۳۳۷ فصل سوم: رسانه‌های همگانی در دهه ۱۳۴۰ ش. امین بنانی
 ۳۳۸ ۱. تکوین رسانه‌های همگانی
 ۳۴۰ ۲. رادیو
 ۳۴۳ ۳. تلویزیون
 ۳۴۵ ۴. روزنامه‌ها

فهرست مطالب / نه

۳۴۹	۵. ممیزی و سانسور
۳۵۱	۶. مجلات و نشریات ادواری
۴۰۷-۳۵۵	بخش ششم: فولکلور و ادبیات عامه
۳۵۵	فصل اول: جلوه‌های زبان عامیانه در نشر دوره مشروطه
۳۵۵	۱. درآمد
۳۵۶	۲. طلیعه ترجمه
۳۶۲	۳. طلیعه نوشتار
۳۶۵	۴. سیر سنتی قصه
۳۶۷	۵. علی اکبر دهخدا: چرند و پرند
۳۷۰	۶. محمد علی جمالزاده: یکی بود، یکی نبود
۳۷۳	۷. نمایشنامه نویسی
۳۷۸	فصل دوم: ادبیات عامیانه ایران
۳۶۹	فصل سوم: تتبع در باب ادبیات عامیانه ایران
۴۷۶-۴۰۹	بخش هفتم: شعر قدمایی مدرن ایران
۴۰۹	درآمد
۴۱۱	فصل اول: کهنه پردازان نوگرا
۴۱۵	نمونه‌ها
۴۴۴	فصل دوم: نوپردازان کهنه‌گرا
۴۴۹	نمونه‌ها
۴۷۷	بخش هشتم: برگزیده‌ها
۴۷۷	شعر نو
۴۷۷	درآمد
۴۸۰	نمونه‌ها
	فهارس
۶۰۱	اسامی اشخاص
۶۱۵	اسامی جایها
۶۱۷	اسامی کتابها

پیش از هر چیز

ادبیات مدرن ایران در فاصله دو انقلاب، یکسر جدال بین کهنه و نو بود و نور در حدود مایه‌های خود بر کرسی نشاند و جهت‌های فکری تازه‌ای را فراروی خوانندگان گشود. جملگی این تحولات در گسترهٔ نثر بیش از چارچوبهٔ شعر رخ داد. شعر در حصار عروض قدمايي زنجیر شده بود و شاعر تا این زنجیرها را از هم بگسلد و فرم آن را بشکند و شعر نو را پدید آورد، نثر فرسنگ‌ها از آن پیشی گرفته بود و با بلاغت و روانی و سادگی، به ویژه در عوالم روزنامه‌نگاری و ادب داستانی و نمایشی و نقادى صورتى دیگر از زندگى فرهنگى مردم شده بود. انطباق نثر با روحیات مردم سریع‌تر صورت گرفت؛ گرچه شعر با مایه‌هایی از ذوق و شوق و حسن سلیقه به زندگى مردم معنایی تازه بخشید و در زیست مشترک آنها با چهره‌ای نو عرض وجود کرد.

ادبیات مدرن ایران دورنمایی وسیع دارد. در آن ادب و سیاست به طرزى بارز و روشن ملازم هم هستند و همین خصلت بدان در بچه و در گاهی تازه می‌بخشد و سامان و ساختار آن را به کل یگانه می‌کند. سبکها و اسلوبهای مختلف را می‌آزماید و افقهای بس فراخ را رودر روی خواننده می‌گشاید. در نثر ادب داستانی و نمایشی و نقادى و رسانه‌ای را فراروی می‌نهد. ادبیات داستانی روشنگریها و روشن‌نگریهای اجتماعى و فرهنگى را و جبهه همت خود قرار می‌دهد و در زوایا و مضامین مختلف از تاریخی و عاشقانه و ماجراجویانه تا اجتماعى و سیاسى، کارمایه‌ای بایسته پدید می‌آورد. ادبیات نمایشی هم راه به چنین برداشتها می‌گشاید و باتکیه بر استعداد و قریحهٔ بومی با زندگى مدرن ایران هم‌آوا می‌شود.

گفتنى است که مباحث این کتاب از ذهن و زبان و ضمیر ادب پژوهان خارج از کشور (جز

مطالب خودنگارنده) در باب ادبیات مدرن ایران در فاصلهٔ دو انقلاب منشأ می‌گیرد و طبیعی است که مایه‌هایی از دید و برداشت و رویکردهای فکری آنها را در التزام خود دارد. مباحث از منابع مختلف انتخاب، تدوین و ترجمه شده است. مباحث کتاب در یک مدخل و هشت بخش و هر بخش در چند فصل تدوین شده است. با اینکه مباحث هر بخش، هر یک به تنهایی استقلال دارد، از بعضی لحاظ، گاهی هاله‌ای از تکرار را، البته از زاویه دیدی جدید، باز می‌نماید. این نکته البته از ارزش کل کتاب نمی‌کاهد چون هر پژوهشگری با برداشت و بافت خاص کلام خود، گفتنیها را باز می‌گوید و با دید و دریافتی تازه سخن را به پایان می‌برد. خود این نوع نگاهها در برداشت نهایی، نوآور و نونگراست و قطعاً اطلاع و ایده‌ای جدید برای خواننده دارد.

بر این نکته تأکید می‌ورزم که در پس پشت فراز آمدن این کتاب چیزی جز علاقه به دانش‌افزایی در قلمرو ادبیات مدرن ایران نبود. چاپ کتاب را نشر مولی به عهده گرفت و دقت و کمال را پشتوانهٔ آن کرد. دغدغهٔ دقیق خانم مهندس مهنار رئیس زاده در بازخوانی متن، ویرایش مطبوعی و نکته‌سنجی‌ها و نمونه خوانیها ستودنی است. زحمات مهندس حسین مفید در ضبط و نقل عکس‌ها و آرایش صفحات، هر چند از مراعات دوستی خالی نیست، دینی است برگردن نگارنده که در لفظ نمی‌گنجد، ذوق سنجیده و دقت ورزیده سرکار خانم بابائی در حروف‌نگاری کتاب کاملاً پیداست؛ سپاس از این بابت؛ و سپاس از خوانندگان که در این عصر وقفه و رکود شعر و ادب و کتاب، جدایی از علم و ادب را روانمی‌دارند و ذوق سلیم را با ذوق تعلیم و تعلم درمی‌آمیزند.

ی - آژند

۹۶/۱۰/۱۵

تهران

مدخل

تجدد ادبی: رویکردها

۱. درآمد

تجدد ادبی در ایران از عهد قاجار و پیش از انقلاب مشروطیت آغاز گردید و تارو زگار ما ادامه یافته است.

در قرن سیزدهم/نوزدهم—در پی انقلاب صنعتی و اقتصادی در اروپا و نیز ورود ناپلئون به مصر (۱۷۹۸/۱۲۱۳)، توسعه طلبی تزار روس و نفوذ طلبی انگلیس—کشورهای مسلمان، نظیر ایران، ترکیه عثمانی، مصر، سوریه و لبنان، به عقب ماندگی اقتصادی کشورهای خود پی بردند و به اصلاحات اقتصادی پرداختند که کمابیش و به تدریج با وابستگی به اروپا همراه شد. برخی مؤلفه‌های این جنبش، از جمله آموزش به سبک جدید و ایجاد صنعت چاپ و رواج مطبوعات، سبب تحولات ادبی در این کشورها شد. در کشورهای عربی زبان، نظیر مصر و سوریه، تجدد ادبی با عنوان عصر نهضت پدید آمد. جنبش تنظیمات (اصلاحات) هم در ترکیه عثمانی، ادبیات جدید را در پی داشت. در ایران نیز نهضت تجدد ادبی شکل گرفت.^۱

در ایران زمینه تجدد ادبی، پیش از هر چیز بحران سیاسی و اجتماعی و روشنفکری بود.^۲ برخورد با غرب و ورود گرایش‌های جدید در قرن سیزدهم، موجب پیکار سنت و تجدد در تمامی زمینه‌ها گردید. جنگ ایران و روس و در پی آن انعقاد دو قرارداد گلستان و ترکمان‌چای و

۱. کریستف بالائی، پیلایش رمان فارسی، ترجمه مهوش قدیمی و نسرین خطاط، تهران، ۱۳۷۷، ص ۹-۱۰.

۲. همو، مقدمه، ص ۱۱.

سپس از دست رفتن هرات، موجب شد که بعضی از سیاستمداران آن روزگار، از جمله عباس میرزا (متوفی ۱۲۴۹) و امیرکبیر (متوفی ۱۲۶۸)^۱، در یابند که ابزارهای نظم کهن پاسخگوی تحولات جهان نیست؛ از نیرو و فعالیتهای جدیدی صورت گرفت. از جمله نوسازی سپاه، اعزام محصل به اروپا، ایجاد چاپخانه، تأسیس نهادهای آموزشی جدید مانند دارالفنون و ترجمه آثار اروپایی^۲.

در همین زمان، اندیشه آزادی در ذهن شماری از کارگزاران و اندیشمندان قاجار به وجود آمد. ملکم خان در رساله کتابچه غیبی، فتحعلی آخوندزاده در رساله سه مکتوب، حبیب اصفهانی در ترجمه غرائب عوائد ملل از رفاعه بک طهطاوی، عبدالرحیم طالبوف در رساله سیاست طالبی، از حریت و قانون و ترقی و عدالت سخن گفتند و با مخالفت روبرو شدند.^۳ فکر ترقی و تجدد، با وجود روند کند آن، به تدریج در بین گروه‌های گوناگون جامعه گسترش یافت؛ این فکر در نیمه اول سده سیزدهم فقط دغدغه افرادی چون میرزا ابوطالب خان (متوفی ۱۲۲۰) صاحب مسیر طالبی و میرزا عبدالطیف شوشتری (متوفی ۱۲۲۰) نویسنده تحفة العالم و میرزا صالح شیرازی، از نخستین محصلان ایرانی در خارج از کشور بود. اما از نیمه دوم این سده حتی مردم کوچه و بازار هم با آن آشنا شدند. شاید فرهیختگان بدان جهت که بیشتر به امور فکری می‌پرداختند و درباریان و کارگزاران حکومت بدان سبب که با دنیای خارج تماس بیشتر داشتند، زودتر و بیشتر از طبقات دیگر جامعه با مدنیت جدید آشنایی یافتند. این مسائل بر تاجران نیز که در دادوستد مداوم با عوامل تجدد بودند، اثر گذارد. روحانیان هم، با در نظر گرفتن ارزشهای دینی و مصالح کشور اسلامی، اندیشه عدالت‌خواهی را ترویج کردند. مطبوعات کل جامعه را با این اندیشه‌ها آشنا کردند.^۴ فساد دستگاه حکومت نیز اذهان را متوجه لزوم اصلاح امور و برقراری عدالت و قانون می‌کرد. این اندیشه‌ها به انقلاب مشروطه

۱. فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، تهران، ۱۳۵۴ ش.

۲. درباره کوششهای عباس میرزا ← حسین مجیبی ادرکانی، تاریخ مؤسسات تملنی جدید را در ایران.

تهران [۱۳۵۴]، ج ۱، ص ۴۹. ۳. همو، ج ۲، ص ۶۲۶-۶۳۴.

۴. عبدالحسین زرین کوب، نقادایی: جستجو در اصول و روشها و مباحث نقادای با بررسی در تاریخ نقد و نقادان، تهران ۱۳۶۱ ش.

انجامید که هدف آن براندازی استبداد و تشکیل حکومت قانونی بود. این دورهٔ پرحادثه برای دگرگونی ادبیات و نوآوری در آن، محیطی مناسب پدید آورد.

ادبیات دورهٔ قاجار مشتمل بود بر ادبیات منشیانهٔ دیوانی و درباری و ادبیات طبقهٔ خواص و طبقهٔ عوام.^۱ تأثیر ذوق و سلیقهٔ گروه‌های گوناگون جامعه بر یکدیگر، دگرگونی‌هایی در حوزهٔ ادبیات منشیانه ایجاد کرد. سبک هندی عهد صفوی به سبب افراط، به تدریج حتی برای نخبگان ادبی نامفهوم شد و در واکنش به آن، نهضت بازگشت ادبی پدید آمد که تا حدی شعر فارسی را از ابهام و اغراق رها نمود^۲، ولی به طور کلی در حوزهٔ معانی و انواع تصویر و خیالپردازی و نیز زبان شعر، نوآوری‌چندانی دیده نشد. با این همه در شعر دورهٔ بازگشت، آثاری نوگرایانه پدید آمد. قائم‌مقام فراهانی و فتح‌الله خان شیبانی اشعاری با مضامین اجتماعی سرودند. شعر قائم‌مقام نشانه‌هایی از تحول معنایی و هدفمندی داشت^۳ و فتح‌الله خان شیبانی با استفاده از زبان پیشینیان به نقدهای اجتماعی پرداخت و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه‌اش را تصویر کرد.^۴ در حقیقت، نوگرایی در شعر فارسی در دورهٔ جدید با نام این دو پیوند خورده است.^۵

نثر فارسی تا دورهٔ مشروطیت ادامهٔ شیوهٔ صفوی بود، اما تا حدودی جذاب‌تر شد. در این دوره، قائم‌مقام فراهانی پیشگام نثر نویسی جدید فارسی (ساده‌نویسی) بود. نثر او در منشآت، با وجود استفاده از قواعد نثر موزون و به کار بردن تعابیر عربی و برخی از اشعار قدما، بسیار ساده بود.^۶ نثر نویسانی همچون فاضل خان گروسی^۷، میرزا علیخان امین‌الدوله (متوفی ۱۳۲۲)، امیرنظام گروسی (متوفی ۱۳۱۷)، فرهاد میرزا معتمدالدوله (متوفی ۱۳۰۵)، میرزا عبداللطیف طسوجی (متوفی پیش از ۱۲۹۸) مترجم نامدار هزار و یکشب، نیز با آثار ساده و روان خود طلیعه‌دار نثر جدید فارسی شدند و زمینه‌ای برای ایجاد نثر سادهٔ دورهٔ مشروطه به

۱. همو، ج ۲، ص ۶۲۳-۶۲۴.

۲. محمدرضا شفیعی کدکنی، ادوار شعر فارسی: از مشروطیت تا سقوط سلطنت، ص ۱۶۷.

۳. یحیی آرین پور، از صباتانیمما، تهران ۱۳۵۴ ش، ص ۷۴.

۴. همو، ج ۱، ص ۱۴۰-۱۴۲.

۵. محمدرضا شفیعی کدکنی، ادوار شعر فارسی، ص ۱۷۲-۱۷۳.

۶. یحیی آرین پور، همان، ص ۶۵-۶۶. ۷. راوی بایندری، متوفی ۱۲۵۳.

وجود آوردند.^۱

در تجدد ادبی ایران، بعضی از کانونهای فرهنگی و سیاسی نیز مؤثر بودند. برخی از این کانونها در خارج از ایران، مثلاً در قفقاز و استانبول و حتی کلکته و بمبئی بودند و عده‌ای از مهاجران ایرانی در آنها فعالیت می‌کردند و آثار خود را به ایران می‌فرستادند. در استانبول، افرادی چون میرزا آقاخان کرمانی (متوفی ۱۳۱۴)، حبیب اصفهانی (متوفی ۱۳۱۱)، زین العابدین مراغه‌ای (متوفی ۱۳۲۸)، محمد طاهر تبریزی (متوفی ۱۳۱۶)، شیخ احمد روحی (متوفی ۱۳۱۴) و سید جمال‌الدین اسدآبادی (متوفی ۱۳۱۴) فعال بودند و به لحاظ فرهنگی، تحت تأثیر گروه‌هایی چون ترکهای جوان قرار داشتند. کسانی چون میرزا فتحعلی آخوندزاده^۲ و میرزا عبدالرحیم طالبوف^۳ از جریان متلاطم فرهنگ و اندیشه روسیه و قفقاز متأثر بودند. در انقلاب مشروطه ایران، قفقاز از نقاط مهم تأثیرگذار بر فرهنگ و سیاست بود. روزنامه جیل‌المتین هم با تبلیغ فکر آزادی خواهی از کلکته می‌آمد. پارسیان هند در بسط و غنای تجدد ایران سهمی درخور داشتند. در جنگ جهانی اول، برلین کانون فعالیت شماری از صاحبان ذوق و ادب و هنر شد. آنان در نشریه کاوه تجارب جدید خود را در حوزه ادب و هنر عرضه می‌کردند.^۴

در ایران گروه‌های ادبی به سرعت سامان گرفتند. محمد تقی بهار، انجمن ادبی دانشکده را در ۱۳۳۶ در تهران تأسیس کرد که سعید نفیسی و رشید یاسمی از اعضای نامدار آن بودند. روش این انجمن، انقلاب آرام ادبی و تجدید نظر در ادبیات بود.^۵ انجمن ادبی ایران هم به رهبری وحید دستگردی، چند سال بعد، همان راه انجمن دانشکده را پیمود. این دو انجمن، با ماهیت محافظه کار خود، نتوانستند بر ادبیات ایران اثر فوری بگذارند. هم‌زمان با آنها، کانون روزنامه تجدد در تبریز، با شاعران تجدد طلبی چون تقی رفعت (متوفی ۱۳۲۹ ق.) و جعفر

۱. همان، ج ۱، ص ۵۶، ۶۵، ۱۸۳.

۲. آدمیت، اندیشه‌های میرزا فتحعلی آخوندزاده، ص ۲-۱۲.

۳. همو، اندیشه‌های طالبوف تبریزی، ص ۱۷-۱۰۸.

۴. جمشید بهنام، ایرانیان و اندیشه تجدد، تهران ۱۳۷۵ ش، ص ۱۰۹-۱۱۴.

۵. محمد تقی بهار، مرآه ما، دانشکده، سال ۱، ش ۱ (ثور ۱۲۹۷).

خامنه‌ای و شمس کسمایی (متوفی ۱۳۴۰ ش.)، شیوه‌ای دیگر داشت. آنان تحت تأثیر ادبیات اروپایی، اشعاری با قالبها و مضمونهای جدید پدید آوردند. به این ترتیب، شعرا و نویسندگان به دو دسته‌هاواران سنتهای کهن ادبی و متجددان تقسیم شدند^۱ و در دفاع از موضع خود، گاه به مجادله‌های ادبی می‌پرداختند.^۲ سرانجام در مجله دانشکده سلسله بحثهایی با عنوان «انقلاب ادبی» درج شد که در آن درباره تاریخچه انقلاب ادبی در جهان، بخصوص در ممالک غربی، بحث شد. روزنامه تجدد نیز به دفاع و پاسخگویی پرداخت. متجددان عقیده داشتند: ادبیات با مسائل اجتماعی و ملی آمیخته، بنابراین مسئله‌ای اساسی است؛ ادبیات هر ملت، آئینه مدنیّت آن است؛ نمی‌توان ادبیات را از جامعه دور و برکنار ساخت؛ قاطعترین نتیجه انقلاب سیاسی، انقلاب ادبی است؛ تجدد در ادبیات باید از نظر شکل و زبان و اسلوب مورد مطالعه و تدقیق قرار گیرد؛ صنعت ادبی را باید آن طوری که در عصر ما تفسیر و تعبیر می‌شود، اخذ کرد و پذیرفت و به پیروی از تعلیمات بین‌المللی، «صنعت» (هنر) را ضروری دانست.^۳

۲. تجدد در شعر

تجدد در شعر فارسی، به‌کندی صورت گرفت. شماری از شاعران کوشیدند خود را از قید اصول و قراردادهای پیشینیان برهانند. شعر - که ستون ادبیات فارسی بود - چنان در سنتها غرق بود که دگرگونی آن غیر ممکن می‌نمود، اما به هر حال از لحاظ مضمون و تخیل و شکل و ترکیب، دگرگونی‌هایی به آن راه یافت. دگرگونی در مضمون شعر راحت‌تر صورت گرفت؛ انقلابهای سیاسی و تا حدودی تغییرات اجتماعی - که بخصوص در انقلاب مشروطه (۱۳۲۴) و رویدادهای پس از آن پدید آمد - مضامین شعری را دگرگون کرد. این مضامین به تفریب شامل این مسائل شد: وطن‌دوستی و استقلال‌طلبی، قانون‌خواهی و آزادی، انتقاد از استبداد و استعمار، فرهنگ و تعلیم و تربیت نو، تحسین علوم جدید، وضع زنان و جایگاه اجتماعی آنان، نقد اصول کهن اخلاقی، نقد خرافات مذهبی و گاهی خود مذهب.^۴ افزایش تحصیلکردگان و تحولات سیاسی و اجتماعی، شعر را از دربار به کوچه و بازار آورد. شاعرانی نظیر علی‌اکبر دهخدا و

۲. همو، ج ۲، ص ۴۳۷-۴۴۵.

۴. شفیعی‌کدکنی، همان، ص ۱۷۸.

۱. یحیی آریز پور، از صباتانیم، ج ۲.

۳. همو، ج ۲، ص ۴۵۱-۴۵۲.

سید اشرف‌الدین حسینی قزوینی مشهور به نسیم شمال، با زبان مردم برای آن‌ها و از آلام و رنج‌های آن‌ها می‌سرودند. موضوعات روزمره وارد شعر شد و هدف آن تشویق مردم برای شرکت در امور سیاسی، تعلیم و وطن‌پرستی و آزادمنشی. و زنده نگه داشتن روح انقلابی در آنان بود.^۱ شعر شاعران این دوره همچون بهار، ابوالقاسم لاهوتی، عارف قزوینی، میرزاده عشقی و فرخی یزدی، آکنده از مضامین سیاسی و اجتماعی است.

در قلمرو زبان شعری نیز دگرگونی‌هایی به وجود آمد؛ بروز عواطف و احساسات نو و پدید آمدن مخاطبان جدید^۲ و انتقال شعر به درون توده مردم، زبانی نو و عامه فهم طلب می‌کرد. شاعران، از جمله پیشگامانی چون ایرج میرزا، بهار، لاهوتی و پروین اعتصامی، در پی آن بودند که اندیشه‌های خود را با تعابیر و واژگانی بیان کنند که کاربرد عمومی داشته باشد؛ ازینرو از دوره مشروطه به بعد، زبان شعر ساده و صمیمی و بی‌پیرایه شد.^۳ واژگان اروپایی به شعر راه یافت و کاربرد آن عادی گردید. بعضی شاعران حتی این امر را نشانه تجدد می‌دانستند.^۴ در زمانه‌ای که همه جا را انقلاب و دگرگونی فرا گرفته بود، شاعر هدفی جز این نداشت که پیام خود را با صراحت به مخاطبان برساند. در چنین اوضاعی گاه پیام و مضمون بسیار مهم بر شکل شعر اثر گذاشته و آن را از جنبه هنری اش دور کرده و به آن جنبه ابزاری داده است.^۵ با این همه، در آثار شاعرانی چون بهار، لاهوتی و حتی عشقی، بخصوص در سه تابلوی مریم او می‌توان صور خیال جدید و بیان تازه مشاهده کرد. قالب شعر این دوره بیشتر قالب سنتی بود، ولی کاربرد سنتی قالبها تا حدودی دگرگون شد و شاعران به شکلهایی همچون مستزاد و مسمط روی آوردند که قابلیت بیان مفاهیم بیشتر و تازه را داشته باشد^۵ و قصیده که نمی‌توانست پاسخگوی نیازهای مردمی باشد، فقط در مواردی خاص، آن هم با معیارهای کهن، به کار رفت. استاد قصیده در این ایام ملک الشعراء بهار بود. غزل سیاسی باب شد و وجه غنایی غزل تا حدودی از دست رفت. بهترین غزل‌های سیاسی در این دوره، از آن فرخی یزدی است. شاعرانی چون ایرج میرزا و بهار و جعفر خامنه‌ای با وارد کردن مضامین اجتماعی و سیاسی، کاربرد مثنوی را دگرگون کردند. پس از آنان پرویز ناتل خانلری با شعر عقاب خود نمونه عالی این گونه مثنویها

۱. منیب‌الرحمن، شعر دوره مشروطیت، ترجمه یعقوب آژند، تهران ۱۳۷۸ ش.، ص ۱۵۵.

۲. همو، ص ۳۳ به بعد.

۳. شفیع کدکنی، همان، ص ۴۳.

۴. همو، ص ۱۱۳.

۵. منیب‌الرحمن، ص ۹۸-۱۰۱.

را پدید آورد. تصنیف که در فرهنگ توده مردم حیاتی دیرینه داشت در این دوره به خدمت شاعران درآمد و با مسائل اجتماعی و سیاسی درآمیخت و در شعر عارف و بهار تعالی یافت.^۱ رواج قالب چهارپاره با مضامین عاطفی و عاشقانه از دیگر ویژگیهای دوران تجدد ادبی در ایران است که نمونه‌های عالی آن را در اشعار پرویز ناتل خانلری، فریدون توللی، فروغ فرخزاد و نادر نادرپور می‌توان دید.

در زمینه تجدد شعر، نیما یوشیج (متوفی ۱۳۳۸ ش.) کار عمده‌ای کرد؛ او قالب کهن شعر را با ادعای گنجایش کافی نداشتن برای مضامین تازه در هم ریخت، عواطف انسانی عصر خود و صور خیالی را که رنگ محلی داشت و از تجربه شخصی او مایه می‌گرفت - با کلمات و ترکیبات تازه در شعر خود بیان کرد^۲، افعیل عروضی را در هم شکست و مصراعها را کوتاه و بلند کرد و علاوه بر ایجاد تغییر در موسیقی شعر، امکانات بیشتری برای ارائه عواطف و صور خیال خویش پدید آورد. بدین ترتیب، تجدد در شعر با نیما چندبُعدی و همه‌جانبه شد.^۳ شاعران پیرو نیما، متأثر از سبک وی، کوشیدند تا شعر آزاد را گسترش دهند. در آغاز بیش از همه فریدون توللی و سپس کسانی چون مهدی اخوان ثالث، هوشنگ ابتهاج، فریدون مشیری، فروغ فرخزاد، احمد شاملو، سهراب سپهری، محمدرضا شفیعی کدکنی و اسماعیل خویی شعر آزاد نیمایی را گسترش دادند؛ و شاعرانی مانند احمد شاملو از نوآوریهای نیما فراتر نیز رفتند و به ساختن شعر بی‌وزن و قافیه یا شعر سپید پرداختند.

۳. تجدد در نثر

در دوره تجدد ادبی، نثر فارسی بیشتر از شعر دستخوش تغییر شد و تنوع و گسترش بیشتری یافت و در این دوره قالبهای جدیدی چون مقاله، داستان، داستان کوتاه، نمایشنامه، ترجمه، نقد و تحقیق پیدا شد.^۴ افزایش شمار مخاطبان ادبیات و تغییر وظیفه و منزلت آن، سبب اهمیت نثر شد و آن را برای تشریح اوضاع جدید اجتماعی آماده‌تر کرد. نثر این دوره در صورتها و وجوه

۱. همو، ص ۱۲۳-۱۲۷.

۲. تقی پورنامداریان، خانه ام ابری است: تهران ۱۳۷۷ ش، ص ۴۴-۴۸.

۳. شفیعی کدکنی، همان، ص ۱۱۵، ۱۲۶-۱۲۷.

۴. پرویز ناتل خانلری، نثر فارسی در دوره اخیر، در نخستین کنگره نویسندگان ایران، تهران ۱۳۲۶ ش، ص

مختلف (ترجمه، روزنامه‌نگاری،...) تجلی یافت.^۱

روزنامه‌نگاری. روزنامه‌نگاری در ایران از روزگار محمدشاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴) آغاز شد^۲ و به تدریج از ارکان مشروطیت گردید و از همان آغاز با استبداد و سلطه جویی مبارزه کرد و برای برقراری آزادی و تأمین منافع و مقاصد عمومی جامعه کوشید. روزنامه‌نگاری به زبانی ساده و عامه‌فهم نیاز داشت، ازینرو بر پیراستن نثر فارسی از پیچیدگیها تأکید شد. نشریات متعددی که در ایران و خارج از ایران به فارسی منتشر شدند^۳ افکار آزادی خواهانه در مردم ایران پدید آوردند. محمدحسین فروغی ذکاءالملک روزنامه‌تربیت (۱۳۱۴-۱۳۲۴/۱۸۹۶-۱۹۰۶) را منتشر و آثار خود را در زمینه‌های زندگی‌نامه و ترجمه و رسالات علمی در آن چاپ می‌کرد.^۴ انقلاب مشروطه فعالیت مطبوعات را بیشتر کرد. پس از اعلان مشروطیت و آزادی مطبوعات و تغییر ضوابط آن، شمار روزنامه‌ها فزونی گرفت و در شهرستانها هم نشریاتی منتشر شد. ممتازترین نشریات آن دوره، مساوات سیدمحمدرضا شیرازی چاپ تبریز، صوراسرافیل میرزا جهانگیرخان (متوفی ۱۳۲۶) و نسیم شمال سیداشرف‌الدین حسینی قزوینی بودند که دو نشریه اخیر به سبب توجه به ادبیات و طنز جایگاه ویژه داشتند. ملانصرالدین جلیل محمدقلی‌زاده نیز از روزنامه‌های مهمی بود که در قفقاز چاپ می‌شد و در روزنامه‌های ایران تأثیر داشت.^۵ روزنامه‌تیاتر میرزارضاخان طباطبائی نائینی نیز به تجدد ادبی‌گرایش داشت.^۶ تلاش روزنامه‌نگاران برای روشنی و سادگی بیان، نثر فارسی را کاملاً دگرگون کرد، نثر فارسی قلمروی وسیع یافت و بیشتر شاخه‌های فرهنگ و هنر معاصر ایران را تحت تأثیر قرار داد.^۷

۱. پرواند آبراهامیان، مقالاتی در جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ترجمه سهیلا ترابی فارسانی: استبداد شرقی: بررسی ایران قاجار، تهران ۱۳۷۶ ش.

۲. محمد محیط طباطبایی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، تهران ۱۳۶۶ ش، ص ۶۰-۶۱.

3. H. Kamshad, Modern Persian Prose literature, cambridge 1966.

۴. همو، ص ۲۹. ۵. محیط طباطبایی، همان، ص ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۷۸.

۶. رضا طباطبایی نائینی، تیئاتر: مجموعه روزنامه، به همراه شرح احوال و آثار میرزارضاخان طباطبایی نائینی، چاپ محمد گلین و فرامرز طالبی، تهران ۱۳۶۶ ش، ص ۳۵-۲۷.

۷. محمد صدراشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان ۱۳۶۳-۱۳۶۴ ش.

تجدد ادبی: رویکردها/ بیست و یک

داستان‌نویسی. داستان‌نویسی در ادبیات کهن فارسی ریشه‌ای عمیق داشت، ولی نوشتن داستان به شیوه جدید و بارویکرد اجتماعی-سیاسی، مقارن با مشروطیت متداول شد. ترجمه داستان‌های اروپایی در خلق داستان‌های ایرانی جدید بسیار مؤثر بود. آثاری چون حاجی‌بابای اصفهانی، سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ نوشته حاج زین‌العابدین مراغه‌ای و حتی چرندپرند علی‌اکبر دهخدا در روزنامه صوراسرافیل، زمینه مساعدی برای داستان‌نویسی معاصر پدید آورد.^۱ مضمون نخستین داستان‌های معاصر، تاریخی و اجتماعی بود. تاریخ در دوره مشروطه منزلت والایی یافت و نوعی باستان‌گرایی و وطن‌پرستی به ادبیات معاصر وارد شد. نخستین داستان‌نویسان، داستان‌های تاریخی نوشتند و هدف آنان، ارائه اطلاعات تاریخی به خوانندگان به منظور تقویت تفاخر ملی آن‌ها بود. داستان شمس و طغرا (۱۳۲۷-۱۳۲۸) نوشته محمدباقر خسروی، عشق و سلطنت یا فتوحات کوروش کبیر (۱۳۳۷) از شیخ موسی نثری کبودرآهنگی، داستان باستان (۱۳۳۸) از میرزا حسن بدیع و دامگستران یا انتقام خواهان مزدک (۱۳۳۹) نوشته عبدالحسین صنعتی‌زاده کرمانی، از نخستین داستان‌های تاریخی‌اند.^۲ این داستان‌ها از نظر اصول داستان‌نویسی و زبان و بیان داستانی کاستیهایی داشتند.

مسائل اجتماعی و اصلاح نهادهای کهنه، نظر داستان‌نویسان را جلب کرد. وضع نامطلوب زنان، امتیازات اجتماعی بعضی از طبقات جامعه، بدبختی طبقات فرودست و تصویر مصائب ملی از موضوعات نخستین داستان‌ها بود. بیشتر این داستان‌ها به صورت پاورقی در نشریات نوشته می‌شد و سپس به صورت کتاب انتشار می‌یافت. مشفق کاظمی داستان تهران مخوف (۱۳۴۳) را در دو جلد نوشت و در آن، فضای اجتماعی تهران را در آستانه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ رضاخان تصویر کرد.^۳ عباس خلیلی، مدیر روزنامه اقدام، داستان‌های اجتماعی روزگار سیاه (۱۳۰۳ ش)، انتقام (۱۳۰۴ ش)، انسان (۱۳۰۴ ش) و اسرار شب (۱۳۰۵ ش) را نوشت و در آن‌ها به وضع نامطلوب زنان و ازدواجهای اجباری پرداخت.^۴ شهرناز (۱۳۰۵ ش) نوشته بحیی

۱. کامشاد، همان، ص ۱۷-۲۱، ۳۷-۴۰. ۲. بالائی، همان، ص ۴۱ تا ۵۱.

۳. مسکوب، ص ۱۲۷-۱۵۰؛ آیین پور، ج ۲، ص ۲۵۸-۲۶۴.

۴. وراکویچکوا، نگرشی بر ادبیات نوین ایران، در ادبیات نوین ایران، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران ۱۳۶۳ ش، ص ۶۳.

دولت آبادی و مجمع دیوانگان (۱۳۰۳ ش) نوشته صنعتی زاده کرمانی از اولین داستان‌های اجتماعی بودند که فضای احساساتی بر آن‌ها حاکم بود. نویسندگانی چون محمد حجازی، علی دشتی، محمد مسعود، حسینقلی مستعان، جهانگیر جلیلی و ربیع انصاری این نوع داستان‌نویسی را ادامه دادند.^۱ چندی بعد، برخی از نویسندگان در آثار خود، با جهت‌گیری اجتماعی و گاهی سیاسی، به زندگی گروه‌های گوناگونی از مردم شهر نشین (اشراف، کارمندان، روشنفکران، پیشه‌وران و کارگران) و روستاییان پرداختند و نوعی نقد اجتماعی پدید آوردند.

در ۱۳۰۰ ش مجموعه داستانی به نام یکی بود یکی نبود از سید محمد علی جمالزاده منتشر شد که به روشی نو و با دیدی انتقادی نوشته شده بود.^۲ این مجموعه داستان، سرآغاز و سرمشق داستان کوتاه‌نویسی در ایران شد.^۳ صادق هدایت نیز در داستان‌نویسی بر نویسندگان بعدی تأثیر داشت و در این زمینه، نمونه اصلی و سرمشق تجدیدگرید.^۴ داستان کوتاه مورد توجه جمعی از نویسندگان قرار گرفت و به تدریج گنجینه‌ای از آن پدید آمد. بزرگ علوی، صادق چوبک، ابراهیم گلستان، جلال آل‌احمد، بهرام صادقی (متوفی ۱۳۶۳ ش)، غلامحسین ساعدی (متوفی ۱۳۶۴ ش)، جمال میرصادقی و برخی دیگر در این قلمرو بسیار کوشا بوده‌اند.^۵

نمایشنامه‌نویسی. نمایشنامه‌نویسی در ایران از ترجمه شروع و چند نمایشنامه از مولیر نمایشنامه‌نویس فرانسوی، به فارسی ترجمه شد، از جمله مردم‌گریز ترجمه میرزا حبیب اصفهانی در ۱۲۸۶، طیب اجباری ترجمه اعتمادالسلطنه در ۱۳۰۶ و تمثیل عروس و داماد ترجمه میرزا جعفر قراچه‌داغی در ۱۳۰۸. البته پیشتر افرادی چون میرزا صالح شیرازی، ابوالحسن خان شیرازی، فرخ‌خان امین‌الدوله، حسین‌خان آجودانباشی، در سفرنامه‌ها و یادداشتهای خود ایرانیان را با نمایش غربی آشنا کرده بودند.^۷ نخستین کسی که در جهان اسلام نمایشنامه به شیوه جدید نوشت، میرزا فتحعلی آخوندزاده بود که شش نمایشنامه و یک

۱. کامشاد، ص ۵۹-۶۲.

۲. همو، ص ۹۵.

۳. آرن پور، همان، ص ۲۷۹-۲۸۳.

۴. کامشاد، ص ۱۳۷-۲۰۸.

۵. محمدعلی سپانلو، نویسندگان پیشرو ایران: از مشروطیت تا ۱۳۵۰، تهران ۱۳۶۶ ش، ص ۹۵-۱۲۴.

۶. جمشید ملک‌پور، ادبیات نمایشی در ایران، تهران ۱۳۶۳ ش، ص ۳۱۷-۳۲۰.

۷. همو، ص ۵۳-۱۲۲.

داستان به ترکی نوشت و میرزا جعفر قراچه داغی آن‌ها را با اطلاع خود نویسنده با عنوان تمثیلات (۱۲۹۱) به فارسی برگرداند.^۱ ملک‌مخبر خان، عبدالرحیم طالبوف و آقاخان کرمانی نیز، گرچه نمایشنامه به معنای اخص کلمه ننوشتند، تألیفاتی داشتند که دارای گفتگوهای نمایشی بود، بخصوص آقاخان کرمانی که در نوشتن سوسمارالدوله و کلاتر در رساله سه مکتوب، از اصول نمایشنامه‌نویسی بهره جسته بود.^۲ نخستین کسی که به فارسی نمایشنامه نوشت، میرزا آقا تبریزی، متأثر از نمایشنامه‌های آخوندزاده، بود.^۳ در دوره مشروطه، افزون بر تداوم ترجمه از آثار غربی و تشکیل گروه‌های نمایشی در تهران و ولایات، بر شمار نمایشنامه‌نویسان هم افزوده شد.^۴ احمد محمودی، کمال الوزاره، نمایشنامه اخلاقی - اجتماعی اوستاد نوروز پنبه‌دوز (۱۳۳۷) را درباره مسئله چندزنی نوشت. محمودی به اسلوب نمایشنامه‌نویسی وارد بود و با بهره‌گیری از زبان محاوره‌ای و تعبیر عامیانه به طرح تازه‌ای دست یافت.^۵ راهی‌راکه او گشود، بعدها نمایشنامه‌نویسانی چون حسن مقدم (متوفی ۱۳۰۴ ش)، گریگور بقیکیان (متوفی ۱۳۲۹ ش)، سیدعلی نصر (متوفی ۱۳۴۰ ش)، عبدالحسین نوشین (متوفی ۱۳۵۰ ش)، ذبیح‌بهر روز (متوفی ۱۳۵۰ ش)، غلامحسین ساعدی (با نام مستعار گوهر مراد)، علی نصیریان، بهرام بیضایی و اکبر رادی ادامه دادند. ادبیات نمایشی ایران، حامل عناصری از تجدد ادبی بود و در دگرگونی‌های اجتماعی و سیاسی و ادبی ایران تأثیری شایان داشت.^۶

نقد و تحقیق. آشنایی با مبانی اندیشه اروپایی، بیش از همه، راه را برای پیدایش نقد ادبی جدید در ایران گشود. شیوه سخنوری کهن، محل چون و چرا قرار گرفت و این چون و چرا در کلام آخوندزاده، آقاخان کرمانی، حاج‌زین‌العابدین مراغه‌ای و ملک‌خان انعکاس یافت. آخوندزاده به نقد ادبی اروپایی توجه کرد و آن را با همان لفظ فرنگی «کرتیکا» به کار

۱. آرمین پور، همان، ج ۱، ص ۳۴۲-۳۵۸.

۲. ملک‌پور، همان، ج ۱، ص ۴۶-۴۷.

۳. همو، ج ۱، ص ۱۸۵-۱۹۴.

۴. ابوالقاسم جنتی عطائی، بنیاد نمایش در ایران، تهران ۱۳۵۶ ش، ص ۱۱۶ به بعد.

۵. ملک‌پور، همان، ج ۲، ص ۱۸۳-۲۰۳.

۶. یعقوب آژند، نمایشنامه‌نویسی در ایران: از آغاز تا ۱۳۲۰ ه. ش.، تهران ۱۳۷۳ ش، ص ۹۷-۱۱۲.

برد. آقاخان کرمانی هم در آثارش به نقد عقاید و اوضاع زمانه و ادبیات کهن فارسی پرداخت.^۲ حاج زین العابدین مراغه‌ای در سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ به نقد سیاسی و اجتماعی پرداخت.^۳ ملکم خان جلوه‌ای تازه از اشتیاق به تجدد را در نوشته‌هایش نشان داد. او در رساله فرقه کچ‌بینان به مغلوق نویسان و فضل فروشان تاخت و شاعران و سخنوران را به آراستگی کلام و واقع‌گرایی و دوری از تظاهر فراخواند.^۴ نوشته‌های اینگونه نویسندگان، معیارهای جدیدی پدید آورد و سنتها را دگرگون کرد و از دوره مشروطه به بعد با افزایش مدرسه‌ها و کتابها و روزنامه‌ها و انجمنها به آموزه‌های مشخصی بدل شد و انواع و فنون تازه‌ای در ادب ظاهر گشت.

در برلین در ایام جنگ جهانی اول شماری از ایرانیان، از جمله سید حسن تقی‌زاده، محمد قزوینی و حسین کاظم‌زاده ایرانشهر به فعالیتهای علمی و ادبی می‌پرداختند. این افراد از طریق تحقیقات شرق‌شناسان و بهره‌گیری از روش آنان در تحقیق و استفاده از کتابخانه‌های آنها در متون علمی و ادبی کهن تحقیق کردند و نتیجه کارشان را در نشریه کاوه به چاپ رساندند یا به صورت کتاب در چاپخانه کاویانی برلین منتشر کردند. نشریه کاوه در القای شیوه جدید تحقیقات در ایران، تأثیر داشت و شالوده نقد و تحقیق را به وجود آورد. نخستین محققان ایرانی، در کار علمی و ادبی خود تجددطلبی و سنت‌گرایی را تلفیق کردند و کسانی چون محمدحسین فروغی ذکاءالملک، میرزا یوسف خان اعتصام‌الملک (متوفی ۱۳۵۶) و بعضی از ادیبان در این مقام به فعالیت پرداختند.^۵ محمد قزوینی شیوه جدید نقد و تصحیح متون کهن را پی‌افکند و مقابله نسخه‌های معتبر و پرهیز از تصحیح قیاسی را توصیه کرد.^۶ زمینه بروز و گسترش این‌گونه گرایشهای علمی و ادبی به سرعت فراهم آمد و کسانی همچون محمدعلی فروغی، غلامرضا رشید یاسمی، حسن وحید دستگردی، ملک الشعراى بهار، بدیع الزمان فروزانفر (متوفی ۱۳۴۹ ش) و عباس اقبال آشتیانی (متوفی ۱۳۳۴ ش) وارد عرصه تحقیقات

۱. فتحعلی آخوندزاده، مقالات، تهران ۱۳۵۱ ش، ص ۳۳-۳۴، ۵۸-۶۱.

۲. آرزین پور، همان، ج ۱، ص ۳۹۰-۳۹۲.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۰۶-۳۱۳.

۴. همان، ج ۱، ص ۳۲۰-۳۲۲.

۵. زرین کوب، همان، ج ۲، ص ۶۴۴.

۶. همان، ج ۲، ص ۶۴۷.

ادبی شدند. این افراد نقد و تحقیق را گسترش دادند و شیوهٔ درستی در نقد متون و تصحیح کتب کهن و کاربرد زبانی متین و فصیح ایجاد کردند.^۱

گرایش به نقد و تحقیق، موجب تألیف مقالات علمی و ادبی دربارهٔ موضوعات گوناگون شد. مقالات انتقادی از کسانی چون علی دشتی و محمود عرفان در نشریات به چاپ رسید و انگیزه‌ای برای نسل دیگری از محققان و منتقدان شد تا محصول کارشان را به صورت مقالات و نقد و مقابلهٔ متون انتشار دهند. احمد بهمنیار (متوفی ۱۳۳۴ ش)، سعید نفیسی (متوفی ۱۳۴۵ ش)، لطفعلی صورتگر (متوفی ۱۳۴۸ ش)، محمد معین (متوفی ۱۳۵۰ ش)، مجتبی مینوی (متوفی ۱۳۵۴ ش)، جلال‌الدین همایی (متوفی ۱۳۵۹ ش)، پرویز ناتل خانلری (متوفی ۱۳۶۰ ش)، ذبیح‌الله صفا (متوفی ۱۳۷۸ ش) از این محققان بودند.^۲ با تداوم این سنت، از دههٔ بیست به بعد محققان و نقادان و مقاله‌نویسان دیگری به فعالیت‌های علمی و ادبی پرداختند. پرویز ناتل خانلری با انتشار مجلهٔ سخن موج جدیدی در معرفی ادبیات معاصر اروپا و ایران و نقد و بررسی آن ایجاد کرد.